

بررسی نظری آثار و نتایج تحزب بر امنیت ملی

نویسنده: حسن تلاشان^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۱۱/۱۰

تاریخ تأیید مقاله: ۸۵/۴/۲۵

صفحات مقاله: ۸۱-۱۱۲

چکیده

دو متغیر تحزب و امنیت ملی هر کدام در جایگاه خود از اهمیت زیادی برخوردار هستند. تحزب یکی از شاخصه‌های حکومت‌های مردم‌سالار می‌باشد. از طرف دیگر امنیت ملی یکی از اصول مورد توجه جوامع از گذشته تاکنون بوده و می‌باشد و همواره سعی حاکمان بر این است که به شیوه‌های گوناگون ضریب امنیت ملی را افزایش دهند. در این تحقیق سعی بر این است که به این سؤال که آثار تحزب بر امنیت ملی چیست؟ پاسخ مناسب ارایه شود. بر همین اساس ابتدا به تعریف مفهوم امنیت ملی اشاره شده و بنا توجه به تعاریف ارایه شده شاخصه‌های امنیت ملی استخراج شده است. در ادامه با توجه به این شاخصه‌ها آثار و نتایج تحزب بر امنیت ملی تبیین شده است. در پایان فرضیه تحقیق حاضر که «تحزب می‌تواند تأثیر دو گانه مثبت و منفی بر امنیت ملی داشته باشد» ثابت شده است.

* * * * *

کلید واژگان

تحزب، حزب، امنیت ملی

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده شهید محلاتی قم.

مقدمه

در دنیای کنونی به علت گسترش افقی و عمودی حکومت‌های مردم‌سالار نقش احزاب را به عنوان نهادهای تربیت‌کننده مدیران سیاسی جوامع نمی‌توان نادیده گرفت. یکی از شاخصه‌های موجود برای تشخیص نظام‌های دموکراتیک وجود احزاب سیاسی می‌باشد. از طرف دیگر یکی از دغدغه‌های جوامع بشری از گذشته دور تا کنون امنیت بوده است. به همین سبب صاحب‌نظران جوامع مختلف سعی بر این دارند رابطه حزب به عنوان یک متغیر جدید را با امنیت ملی را تبیین نمایند. به‌طور طبیعی استراتژی نهایی نیز بر اساس نوع رابطه دو متغیر احزاب سیاسی با امنیت ملی تبیین می‌شده است. در این تحقیق سعی بر این است که در بعد نظری با استفاده از دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران به این سؤال پاسخ داده شود که «رابطه بین حزب و امنیت ملی چیست؟». در این باره مطالبی نوشته شده است ولی به نظر نگارنده تحقیقی همه‌جانبه و مستوفی به رشته تحریر در نیامده است. در تحقیق حاضر سعی شده است با توجه به تمام ابعاد موضوع به آثار و نتایج مثبت و منفی حزب بر امنیت ملی پرداخته شود.

نتایج حاصل از این تحقیق، می‌تواند مقدمه‌ای برای تدوین استراتژی نهایی حزب در جمهوری اسلامی ایران، که کامل‌ترین حکومت مردم‌سالار در تاریخ سیاسی معاصر ایران محسوب می‌شود، مورد استفاده قرار گیرد. در این مقاله بدون در نظر گرفتن زمان و مکان خاص رابطه بین دو متغیر «حزب» و «امنیت ملی» به تبیین تئوریک پرداخته شده است. برای دستیابی به این مهم در ادامه پس از ارائه تعاریف متعدد درباره مفهوم حزب و امنیت ملی، شاخصه‌های امنیت ملی تشریح گردیده است. سپس با توجه به این شاخصه‌ها آثار و نتایج حزب بر امنیت ملی تبیین شده است.

هدف اصلی این نوشتار ارائه و دسته‌بندی آرا و نظریات گوناگون در این مورد است. بدیهی است که مباحث متنوع دیگری درباره حزب و امنیت ملی وجود دارد که در این مقال نمی‌گنجد.

تعریف حزب

در باره حزب تعاریف متعددی توسط اندیشمندان ارائه شده است. هر کدام از آنها بر اساس اصول مورد باور خویش به تعریف این واژه پرداخته‌اند.

معادل حزب در انگلیسی party و در فرانسه parti می‌باشد که ریشه آن partir به معنای رفتن و یا قسمت کردن می‌باشد. در قرون وسطی واژه parti کاربرد نظامی داشت و به عده‌ای از نظامیان که برای عملیات نظامی انتخاب و اعزام می‌شدند اطلاق می‌شد. در قرن نوزدهم parti به معنای گرایش یا طرز تفکر یک طبقه یا گروه اجتماعی به کار برده می‌شد. به عنوان مثال حزب کارگر به عنوان یک گرایش یا طرز تفکر که حامی منافع این طبقه بود به‌شمار می‌آمد (charlot, 1970, p.12). لئون اپشتین از دانشمندان علوم سیاسی در تعریف حزب می‌گوید: «حزب سیاسی عبارت است از هر گروهی ولو با سازماندهی ضعیف که درصدد انتخاب مقامات حکومتی تحت یک عنوان معین باشد». (Epstien, 1967, p.9)

ادموندبرک «حزب را عبارت از مجموعه‌ای سازمان یافته از انسانهای متحد می‌داند که قصد دارند منافع ملی را بر اساس اصول خاصی که بر سر آن به توافق رسیده‌اند محقق سازند» (Burk, 1770, p.530). فرق اساسی این تعریف نسبت به تعریف اپشتین توجه به منافع ملی در فعالیتهای حزبی است.

زیگموند نیومن حزب سیاسی را سازمانی منضبط از افراد تلاشگر سیاسی جامعه می‌داند که هدف آنان چیرگی بر حکومت است و برای برخوردارگی از پشتیبانی مردم با گروه یا گروههای دیگر که باورهای متعارض دارند به رقابت می‌پردازند (Newman, 1956, p.395). آنچه که این تعریف را از دیگر تعاریف متمایز می‌سازد وجود رقابت با دیگر احزاب و گروهها است.

ماکس وبر احزاب را جمعیتهایی می‌داند که بر اساس تعهدات رسمی و داوطلبانه با هدف به قدرت رساندن رؤسای خود فعالیت می‌کنند تا از این طریق به اهداف مادی و معنوی خود اعم از برنامه‌های سیاسی یا منافع شخصی یا هر دو نائل شوند. بنابراین واژه حزب از دیدگاه وبر نشان‌دهنده نوعی ارتباط فعال

اجتماعی است که عضویت در آن نوعی عمل جهت‌دار^۱ محسوب می‌شود. دیگر آن که فعالیت در قالب حزب به هر حال باید متضمن نوعی منفعت برای اعضای آن باشد. بنابراین گفته شد این منافع می‌تواند طیف وسیعی از خواسته‌های افراد را که با کسب قدرت سیاسی جامعه عمل می‌پوشد را دربرگیرد (Weber, 1971, p.371). نکته مهم دیگری که در این تعریف بیان شده است که اهداف حزب می‌تواند بر اساس منافع شخصی تبیین شوند. بدیهی است که منافع شخصی همیشه با منافع ملی منطبق نخواهد بود.

جیوانی سارتوری نیز در تعریف خود حزب را چنین بیان می‌کند:

«حزب عبارت است از هر گروه سیاسی دارای یک عنوان رسمی که در انتخابات شرکت کرده و این امکان یا توانایی را دارد که از طریق انتخابات (آزاد یا غیر آن) نامزدهای مورد نظر خود را رأس پستها و مناصب عمومی جامعه قرار دهد».
(Sartori, 1979, p.93)

به ویژگیهای عمومی که در تعاریف مربوط حزب وجود دارد عبارتند از:

۱. حزب یک تشکل سیاسی است که به فعالیت سیاسی می‌پردازد. بنابراین به‌طور کلی می‌توان گفت سیاست و حکومت قلمرو فعالیت احزاب به‌شمار می‌آید.
۲. هدف اصلی احزاب کسب قدرت می‌باشد که با استفاده از وسایل قانونی و از طریق انتخاب و کسب آرای لازم تحقق می‌یابد.
۳. حزب وسیله لازم برای مشارکت سیاسی در نظامهای دموکراتیک محسوب می‌شود.
۴. حزب یک سازمان منسجم و هماهنگ می‌باشد که از افراد هم‌فکر و هم‌عقیده تشکیل شده است.
۵. در حزب منافع ملی با توجه به منافع و اهداف مورد نظر حزب تعریف می‌شود. چه بسا این تعریف با منافع ملی واقعی کشور تطبیق ننماید. بر

1. parxis
2. Advantage

این اساس می‌توان گفت در بعضی از احزاب منافع ملی تعریف شده با منافع شخصی و گروهی تطبیق می‌کند و هیچ سنخیتی با منافع ملی واقعی جامعه ندارد.

۶. حزب چه قبل و چه بعد از کسب قدرت سعی بر گسترش اندیشه و باورهای خود به دیگر افراد جامعه دارد تا از این طریق آرای بیشتری را برای خود جمع‌آوری کند.

تعریف و تحول مفهوم امنیت ملی

امنیت در لغت به معنای «آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند است و یا در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن» (میرعرب، ص ۱۳۳) را گویند. امنیت به معنای عام به معنی عدم ترس^۱ و فقدان خطر جدی از خارج نسبت به منافع حیاتی و اساسی مملکت است. بنابراین کشورها سعی می‌کنند خطری جدی متوجه ارزشهای حیاتی آنها نشود و می‌کوشند شرایط لازم را برای دوری از خطر فراهم سازند. (Puchala, 1971, p.76-79)

امنیت در یک معنای ابتدایی و اولیه به معنای جامعه از تجاوز راهزنان و ایمنی شهرها است. اما امنیت در یک معنای گسترده‌تر دارای دو جنبه ایجابی و سلبی است. ایجابی یعنی احساس رضایت و اطمینان خاطر در نزد دولتمردان و شهروندان و سلبی به معنای عدم وجود ترس، اجبار و تهدید می‌باشد (افتخاری، ۷۸، ص ۲۷). «امنیت ملی» یک مفهوم غربی و به‌ویژه آمریکایی است که از سال ۱۹۴۵م به بعد رواج یافت. آرنولدولفرز معتقد است: «امنیت ملی نهاد ابهام‌آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معنای دقیق باشد». (بمیری، ۷۸، ص ۶۹)

آرنولدولفرز امنیت ملی را بدین شکل تعریف می‌کند:

«امنیت در یک مفهوم عینی به فقدان تهدیدها نسبت به ارزشهای اکتسابی تلقی می‌شود و در یک مفهوم ذهنی، امنیت بر اساس فقدان دلهره و نگرانی از به

مخاطره افتادن ارزشها و توانمندی لازم درکسب نتایج منصفانه ارزیابی می‌شود.» (روشندل، ۷۴، ص ۱۱)

بر اساس تعریف مذکور یک ملت زمانی از امنیت برخوردار است که بتواند بدون هیچ‌گونه خطری از ارزشهای مطلوب و اساسی خود حفاظت کند. تا دهه ۱۹۸۰ به‌طور عمده دو طرز تفکر در مقوله امنیت ملی که عبارت بودند از رئالیستها و ایده‌آلیستها حاکمیت داشت. رئالیستها امنیت را ناشی از قدرت می‌دانستند. یک بازیگر با داشتن قدرت کافی از امنیت لازم نیز برخوردار خواهد بود. بنابراین نظر امنیت ملی نتیجه یا برآیند قدرت محسوب می‌شود. از جمله طرفداران این مکتب هانس مورگنتا است. این اندیشمندان زندگی، صلح و امنیت را در گرو قدرت می‌دانند. ولی به هر حال برای آنها امنیت به عنوان یک هدف مطرح می‌باشد. ایده‌آلیستها به این امر گرایش داشتند که این صلح همگانی است که امنیت همگانی را به ارمغان می‌آورد. به همین جهت تأسیس سازمانهای جهانی را با هدف تأمین صلح جهانی تجویز می‌کردند. واحدهای سیاسی نیز با همین هدف ضمن پیوستن به این نوع سازمانها قسمتی از اختیارات خود را به آنها تفویض می‌کنند.

در مجموع می‌توان گفت که دوره جنگ سرد به دلیل تأکید بر مسائل نظامی و استراتژیهای هم چون بازدارندگی هسته‌ای بر اساس رهیافت واقع‌گرایی شکل گرفت. بنابراین امنیت به‌طور عمده ماهیت نظامی داشته و در خارج از مرزها جستجو می‌شد. با پایان یافتن جنگ سرد بر اساس رهیافت بین‌المللی در قالب نهادگرایی، جنبه اقتصادی امنیت مورد توجه قرار گرفت. به همین سبب عناصر داخلی در تعریف امنیت جایگاه ویژه‌ای یافت. (سجادی، ۷۹، ص ۱۶۴) گورباچف رئیس‌جمهور اتحاد جماهیر شوروی (سابق) در نطق رسمی خود در سازمان ملل متحد (۱۲ دسامبر ۱۹۸۸) در رابطه با این موضوع این چنین می‌گوید:

«کاربرد تهدیدات نظامی دیگر نمی‌تواند ابزار کارآمدی برای سیاست خارجی باشد. مفهوم امنیت بین‌المللی می‌بایستی بر مبنای مدل جدیدی از امنیت اقتصادی بازسازی شود و نه بر مبنای بازسازی نظامی.» (Ekins, 1992, p.58)

در حال حاضر عناصر داخلی به طرز چشمگیری در موضوعات امنیتی و مسائل استراتژیک راه یافته است (سجادی، پیشین، ۱۶۹). در صورتی که در گذشته محققین مسائل استراتژیک به تنها به عوامل داخلی نمی‌پرداختند بلکه چنین اقداماتی را موجب تنش و تعارض می‌دانستند. امروزه پژوهشگران نقش عناصر داخلی را در استقرار صلح و امنیت جهانی تعیین‌کننده می‌دانند. (همان)

آنچه که باید بدان توجه کرد وجه مشترک تمام مکاتب و صاحب‌نظران تأکید بر ضرورت "حفظ وجود خود" می‌باشد. اختلاف زمانی به وجود می‌آید که بر سر چگونگی تحقق "حفظ وجود خود" به تفسیر و تحلیل پرداخته می‌شود. بعضی این مقوله را در چهار عامل خلاصه می‌کنند:



۱. حفظ جان مردم؛

۲. حفظ تمامیت ارضی؛

۳. حفظ نظام اقتصادی و سیاسی؛

۴. حفظ استقلال و حاکمیت کشور. (ترابی، ۷۹، ص ۱۸۰)

در یک تقسیم‌بندی دیگر امنیت به پدیده‌های ذیل اطلاق می‌شود:

۱. حفظ تمامیت ارضی، مردم، بقا و ادامه نظام اجتماعی (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) و حاکمیت کشور؛

۲. حفظ منافع حیاتی؛ (PadelFort, ed.al, 1967, p.188-189)

۳. فقدان ترس جدی از خارج نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور، آزرگود منافع ملی را به «اموری که ارزش آنها صرفاً مفید بودن آنها برای ملت است» تعریف می‌کند. وی عقیده دارد که اجزا و مصادیق منافع ملی پدیده‌های زیر می‌باشند:

۱- حفظ سرزمین؛

۲- حفظ استقلال و حاکمیت؛

۳- حفظ نهادهای اساسی جامعه؛

۴- کسب پرستیژ؛

۵- تقویت قدرت ملی؛

۶- کارآیی در اداره مسائل خارجی. (بهرادی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۰-۹۹)

با توجه به انواع تقسیم‌بندی‌هایی که درباره منافع ملی بیان شد به‌رغم وجود تفاوت‌هایی، در مجموع نظرات مشابهی ارائه شده است.

برخی از پژوهشگران مسائل امنیتی ضمن تأکید بر تفکیک امنیت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، مفهوم نرم‌افزاری امنیت را با شاخص‌هایی همچون مشروعیت، انسجام و ظرفیت سیاسی مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. (چون این مورگ و دیگران، ۷۷)

در یک جمع‌بندی دیگر از مفهوم امنیت ملی، این واژه را از چندین ارزش ملی می‌دانند. این ارزشها عبارتند از:

۱. پاسداری از بقای سیاسی و سرزمینی کشور؛

۲. تضمین بقای ارگانیک، ایجاد شرایط لازم برای رفاه اقتصادی؛

۳. تأمین و حفظ هماهنگی میان اقوام و طوایف درون کشور. (طیب، ۷۷، ص ۱۸)

با کم‌رنگ شدن بعد نظامی امنیت، دیگر ابعاد آن نیز مورد توجه پژوهشگران موضوعات امنیت قرار گرفته است. در برداشت جدید از این واژه، امنیت کشورها به قابلیت افزایش هماهنگی، تعمیق حس مدنیت و کاهش تعارضات و تنش‌های اجتماعی اطلاق می‌شود. (دولور، ۷۱، ص ۳۸۹)

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، امنیت به عنوان یک مفهوم چند لایه با ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... مطرح شد. دیگر کشورها امنیت ملی خود به طور کامل در مسائل نظامی تعریف نمی‌کردند. در این شرایط رقابت اقتصادی و مسابقه بازاریابی، مسائل محیطی و فرهنگی بیشتر از گذشته مورد توجه نخبگان قرار گرفت. روند آمریکایی‌سازی جهان به ویژه در اروپا در بعد فرهنگی به عنوان یکی از معضلات اروپا مطرح شده است. در حال حاضر کشورهای جهان به‌ویژه اروپا امنیت ملی خود را با مسلط شدن فرهنگی آمریکا در تضاد می‌بینند.

به قول هانتینگتون: «فرایند نوسازی اقتصادی و تغییر اجتماعی در سراسر جهان مردم، را از هویت محلی دیرینه آنها جدا می‌سازد و در این فرایند، دولت ملی نیز به عنوان منشأ هویت تضعیف می‌شود» (ماندل، ۷۹، ص ۱۵۹). تحول در مفهوم امنیت ملی آن چنان چشمگیر است که نه تنها متغیرهای تأثیرگذار فراوانی پا به عرصه وجود گذاشته بلکه در بعضی موارد به شدت از اهمیت متغیر نظامی کاسته شده است.

متغیرهای سیاسی از جمله عوامل تأثیرگذار بر امنیت ملی است. در این راستا می‌توان به احزاب و گروه‌های سیاسی اشاره کرد.

شاخصه‌های امنیت ملی

با توجه به تعاریف گوناگونی که از امنیت ملی ارائه شد، می‌توان شاخصه‌های ذیل را در رابطه با امنیت ملی بیان کرد:

۱. حفظ جان مردم؛
۲. حفظ امنیت ارضی (پادلفورد)؛
۳. حفظ نظام اقتصادی و سیاسی؛ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۴. حفظ استقلال و حاکمیت کشور (آزگود)؛
۵. حفظ منافع حیاتی؛
۶. فقدان ترس جدی از خارج نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور (پادلفورد)؛
۷. حفظ نهادهای اساسی جامعه (آزگود)؛
۸. وحدت ملی (آرنولد و لفرز)؛
۹. فقدان دلهره و نگرانی از به مخاطره افتادن ارزشها (آرنولد و لفرز)؛
۱۰. مشروعیت سیاسی (ادوارد آذر و جون این مدن)؛
۱۱. تأمین و حفظ هماهنگی میان اقوام و طوایف درون کشور؛
۱۲. عدم تهدید جدی سلطه فرهنگی بیگانه (رابرت ماندل).

بنابراین با توجه به شاخصه‌های بالا به آثار و نتایج تحزب بر امنیت ملی می‌پردازیم.

آثار و نتایج تحزب بر امنیت ملی

در این باره نظرات گوناگونی ارائه شده است. واقعیت امر این است که شرایط موجود در نوع و چگونگی رابطه این دو متغیر تعیین‌کننده می‌باشد. آنچه که می‌توان بدان اذعان کرد این است که با توجه به شرایط حاکم، تحزب می‌تواند بر امنیت ملی تأثیر مثبت یا منفی برجای گذارد.

امنیت از چنان اهمیتی برخوردار است که انسان حاضر است به خاطر آن قسمتی از حقوق خود هم چون آزادی، قدرت، مالکیت و... را به دولتی که به همین منظور تأسیس می‌شود واگذار نماید. این که انسانها حاضرند با تشکیل دولت، آزادی خود را محدود کنند نشان‌دهنده اولویت امنیت نسبت به ارزشهای دیگر هم چون آزادی و رقابت سیاسی می‌باشد. (افتخاری، ۷۸، ص ۲۲)

به‌طور کلی احزاب به دو طریق مثبت و منفی بر امنیت ملی تأثیرگذار هستند.

آثار و نتایج مثبت

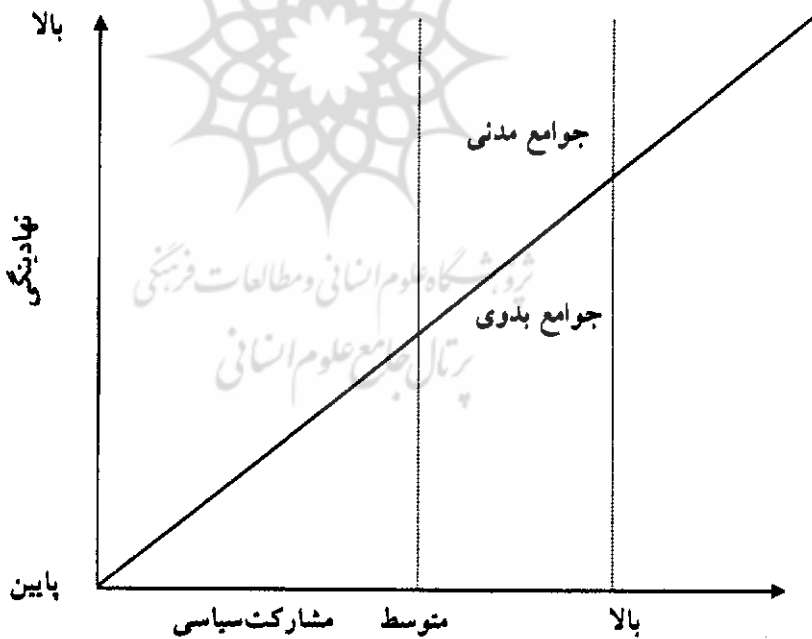
۱- مشارکت سیاسی

تعاریف گوناگونی درباره این اصطلاح بیان شده است. در یکی از تعاریف آمده است: «میزانی که شهروندان، از حقوق دموکراتیک عادی خود مبنی بر پرداختن به آن دسته از فعالیتهای سیاسی که در قانون تعیین شده استفاده می‌کنند». (Robertson, 1988, p.260)

به عبارت دیگر، مشارکت سیاسی عبارت است از میزان بهره‌مندی افراد از حق خود برای دخالت در مسائل و تصمیم‌گیریهای سیاسی، این میزان برای افراد مختلف، متفاوت است. ثبات و امنیت هر واحد سیاسی بستگی به میزان مشارکت سیاسی با میزان نهادینه‌شدن سیاسی آن کشور دارد.

جوامعی که از سطح مشارکت سیاسی کمتری برخوردارند در مقایسه با

کشورهایی که سطح مشارکت بالاتری دارند از نهادینه بودن سیاسی کمتری برخوردار می باشند. به نسبتی که سطح مشارکت سیاسی افزایش یابد، انسجام و تطبیق پذیری نهادهای سیاسی نیز افزایش خواهد یافت. هانتینگتون براساس دو عنصر مشارکت سیاسی و نهادینه شدن فعالیت سیاسی نظامهای سیاسی را به دو دسته مدنی و پراتورین^۱ تقسیم می کند. در دسته اول نسبت نهادینه شدن به مشارکت بالا است. در صورتی که نسبت به نهادینه شدن به مشارکت در دسته دوم پایین است. نتیجه این که جوامع مدنی از ثبات بیشتری برخوردارند ولی جوامع پراتورین نسبتاً بی ثبات می باشند. (هانتینگتون، ۱۳۷۰، ص ۱۱۹)



۱. پراتورین (Pratorian) یعنی بی بهره از نهادهای مدنی که معنی لغوی آن نگهبانان امپراطوری یا سرداران رومی است.

نمودار مربوط به مشارکت سیاسی و نهادینگی سیاسی (هانتینگتون)

یکی از وظایف اصلی احزاب، جلب مشارکت سیاسی مردم می‌باشد. آنان تلاش می‌کنند افراد از طبقات مختلف جامعه را برای احقاق حقوق و دخالت در سرنوشت سیاسی جامعه خود تشویق نمایند. مشارکت سیاسی دارای درجات گوناگونی است. بر همین اساس نیز تقسیم‌بندی‌هایی صورت گرفته است. از جمله در کتاب "مقدمه‌ای بر حکومت آمریکا" توسط سیدنی و وربا مشارکت سیاسی را به مشارکت سیاسی غیرفعال (شهروندان غیرفعال) مشارکت‌کنندگان محدود، فعالان عمومی، متخصصین رأی‌دهنده، فعالان کامل و فعالان مبارزات انتخاباتی تقسیم می‌کند. (Verbakont, 1979, p.127)

هانتینگتون درباره ارتباط مستقیم بین مشارکت و بی‌ثباتی سیاسی می‌گوید که شهری شدن، بالا رفتن میزان باسوادی، وسایل ارتباط جمعی و آموزش باعث بالا رفتن سطح توقعات و آرزوها می‌شود. در صورت عدم پاسخ مثبت و مناسب با سطح توقعات شهروندان، گروه‌ها و افراد وارد صحنه سیاسی می‌شوند. در صورتی که نهادهای سیاسی قدرتمند و انعطاف‌پذیر وجود نداشته باشد این مشارکت سیاسی باعث بروز بی‌ثباتی و خشونت در جامعه خواهد شد. (Luntington, 1988, p.52)

هرچقدر افراد بیکار، بی‌هویت و ناراضی از آموزش آگاهی‌های بیشتری برخوردار شوند زمینه بروز ناامنی و بی‌ثباتی هر چه بیشتر نظام را فراهم خواهند کرد. فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، مدرک‌داران و متعلمان ناراضی آموزشگاه‌ها زمینه‌ها و شرایط هر نوع دگرگونی هم چون انقلاب یا کودتا را فراهم می‌کنند. توسعه اقتصادی نیز پدیده مشارکت سیاسی یا بسیج اجتماعی را تکمیل می‌کند. توسعه در کشورها باعث به وجود آمدن گروه‌های تازه‌ای خواهند شد که با نظم سیاسی حاکم، هماهنگی ندارند و به دنبال قدرت سیاسی و مقامی هستند که با موقعیت اقتصادی آنها سازگار باشد.

علاوه بر آن توسعه اقتصادی باعث افزایش آموزش، سواد و دسترسی به

وسایل ارتباط جمعی می‌شود. همین مسئله طبق نظر هانتینگتون خواسته‌ها و آرزوهایی را ایجاد می‌کند که امکان برآوردن آنها برای حکومت وجود ندارد. افزایش شمار مستمندان و در نتیجه افزایش شکاف طبقاتی از دیگر آثار توسعه اقتصادی است. بنابراین هرچند عده‌ای از افراد جامعه از رفاه اقتصادی بسیار زیادی برخوردار می‌شوند برای عده‌ای دیگر افزایش ناکامی اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. در جوامعی که این شکاف بیش از حد نباشد امکان این که با اقدامات اجتماعی و اقتصادی ناکامی‌های موجود را کاهش داد وجود دارد.

در صورتی که امکان چنین اقداماتی وجود نداشته باشد مردم به مشارکت سیاسی روی خواهند آورد تا توقعات و آرزوهای خود را از این طریق جامه عمل بپوشانند. در این وضعیت اگر جایگاه سیاسی در سطح بالایی نهادینه شده باشد این در خواست‌ها از طریق کانالهای قانونی مطرح می‌شود. حال این خواسته‌ها در درون سیستم تعدیل و یا جمع‌آوری می‌شود. خلاصه اینکه در حد یک بازی در درون یک سیستم باقی می‌ماند و به خارج از نظام کشیده نمی‌شود.

اما در صورتی که چنین کانال قانونی و مشروعی وجود نداشته باشد و شکاف بین مشارکت سیاسی و حکومت سیاسی زیاد باشد، تقاضای مشارکت منجر به خشونت و بی‌ثباتی خواهد شد. در واقع ناکامی اجتماعی منجر به مشارکت سیاسی و در صورت عدم وجود نهادها و احزاب قدرتمند باعث بی‌تفاوتی سیاسی و تهدید امنیت ملی خواهد شد. نتیجه این که در جوامعی که میزان نهادینگی سیاسی بیشتر از مشارکت سیاسی باشد از بی‌ثباتی سیاسی کمتری برخوردار خواهند شد. به عبارت دیگر در این وضعیت ضریب امنیت ملی افزایش خواهد یافت و در مقابل بحران‌ها بیشتر ظهور خواهند کرد. بنابر این اساس احزاب و نهادهای سیاسی به مقدار بسیار زیادی می‌توانند از بی‌ثباتی و تهدید امنیت ملی جلوگیری کنند. منظور از نهادینگی فرآیندی است که از طریق آن سازمان‌ها و رویه‌ها ارزش و ثبات می‌یابند. تطبیق‌پذیری، پیچیدگی، استقلال و انسجام از

جمله معیارهای نهادینه شدن محسوب می‌شود. (رحیمی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۵)

احزاب سیاسی از به انحراف کشاندن مشارکت جلوگیری می‌کنند و آن را به سوی انتخابات سوق می‌دهند. هر چه احزاب نیرومندتر باشند آرای بیشتری را به خود اختصاص خواهند داد. در نظامهای سیاسی مدرن ثبات سیاسی به توانایی احزاب سیاسی بستگی دارد. یک حزب زمانی قدرتمند محسوب می‌شود که از حمایت‌های نهادینه شده مردم بر خوردار باشد. یک حزب زمانی دارای قدرت نهادی است که پس از کنار رفتن یا فوت رهبر و یا بنیانگذارش بتواند هم چنان با قدرت به حیات خود ادامه دهد.

بنابراینچه گفته شد:

الف) در جامعه‌ای که از نهادینگی سیاسی بالایی برخوردار می‌باشد سازمانها، رویه‌ها و خط‌مشی‌های موجود به عنوان یک ارزش مطرح می‌باشند. زمانی که مردم آنها را به عنوان یک ارزش مورد شناسایی قرار دادند می‌توانند از ثبات لازم برخوردار شوند. در مجموع سازمانها و رویه‌ها دارای دو ویژگی ارزشی بودن و ثبات می‌باشند.

ب) احزاب سیاسی نهادهای در درون نظام محسوب می‌شوند. بنابراین گروه‌ها و تشکلهایی که اهداف براندازانه دارند حزب نامیده نمی‌شوند.

ج) کارویژه اساسی احزاب سوق دادن مشارکت سیاسی مردم به درون نظام (نه بیرون از نظام) است.

د) نظام به این خواسته به شیوه‌های گوناگونی از جمله قبول، تصحیح، تغییر و یا تکمیل پاسخ خواهد داد.

ه) تعامل احزاب و سیستم حکومتی منطبق بر قوانین موجود و به‌طور کامل مسالمت‌آمیز است.

یکی از ویژگی‌های مثبت احزاب این است که باعث جلب مشارکت مردم در امور سیاسی به شیوه‌های گوناگون از جمله انتخابات و یا فراندوم می‌شوند.

طبیعی است که هر چه مردم نظام سیاسی موجود را ناشی از خواسته‌های خود بدانند حمایت آنها از نظام حاکم بیشتر خواهد شد و در نتیجه ضریب امنیت ملی نیز افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر میزان ضریب امنیت ملی به میزان مشارکت مردم بستگی دارد. هر چه مشارکت مردم افزایش یابد ضریب امنیت ملی نیز افزایش می‌یابد.

از آنجا که انسان موجودی مدنی‌الطبع می‌باشد همواره سعی می‌کند که در سرنوشت اجتماعی خویش مشارکت نماید. افزایش آگاهی‌های سیاسی حسن مشارکت‌جویی را تقویت می‌کند و باعث گسترش خواسته‌های سیاسی می‌شود. از آن جایی که دولت‌های استبدادی تمایلی به گسترش مشارکت سیاسی ندارند نظام دچار بحران مشروعیت می‌شود. این بحران می‌تواند انقلاب‌های اجتماعی را به همراه داشته باشد. در این روند انقلابی نظام حاکم به چالش کشیده می‌شود و در نهایت نظام موجود را ساقط می‌کنند. در نظام سیاسی نوین حرکتها در جهت تثبیت نظام آغاز می‌شود. در این مرحله احزاب و تشکلهای مدنی پا به عرصه وجود می‌گذارند تا مشارکت سیاسی مردم را نهادینه کرده و در راستای اهداف نظام سیاسی جدید به کار گیرند. یکی از عواملی که باعث تثبیت و تحکیم نظام سیاسی جدید می‌شود مشارکت سیاسی توده‌های مردم است که در قالب احزاب شکل می‌گیرد.

مشارکت سیاسی باید فعالانه، آگاهانه و مستقل صورت گیرد. مشارکت سیاسی می‌تواند اجماع ملی و تفاهم ملی را به همراه داشته باشد.

۲- مشروعیت سیاسی

چگونگی رابطه بین تحزب و مشروعیت سیاسی عامل تعیین‌کننده‌ای برای برآورد ضریب امنیت ملی می‌باشد. بنابر تعریف «مشروعیت سیاسی عبارت است از پذیرش قلبی حکومت، حاکمان و نظام سیاسی از طرف حکومت شوندگان».

(نقیب‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۵۴)

این حالت زمانی محقق خواهد شد که حکومت موجود با ارزشها و باورهای

عمومی جامعه هماهنگ و همسو باشد. در بحث مشروعیت، مقبولیت عامه حاکمان مطرح می‌باشد. به محض این که به هر دلیلی حاکمان از جانب عامه مردم مورد قبول واقع شوند، مشروعیت سیاسی به وجود آمده است. چه بسا حاکمان از هیچ‌گونه حقانیتی برخوردار نباشند و از طریق عوام‌فریبی نظر مردم را به خود جلب کرده باشند. دو نکته قابل ذکر این است که اولاً میزان مشروعیت رژیمها قابل اندازه‌گیری نیست. دوم این که معلوم نیست تا چه زمانی این مشروعیت تداوم خواهد یافت. هر لحظه با یک حادثه امکان مواجهه حاکمان، حکومت و نظام سیاسی با بحران مشروعیت وجود دارد و بر سه نوع مشروعیت سیاسی را برمی‌شمارد که عبارتند از: مشروعیت سنتی^۱، کاریزماتیک^۲ و عقلایی-قانونی^۳؛ مشروعیت سیاسی سنتی عبارت است از اعتقاد استوار و دائمی به سنت‌های کهن و مقبولیت کسانی که به اعمال قدرت می‌پردازند (Weber, 1971, p.289). مشروعیت کاریزماتیک عبارت است از تسلیم ویژه و غیر معمول در برابر شخصیتی مقدس یا فردی شجاع و یا شخصیتی با ویژگی منحصر به فرد و استثنایی یا فرامین وی (Ibid, p.289). مشروعیت عقلایی-قانونی مبتنی بر «اعتقاد به قانونی بودن الگوهای قواعد هنجاری و حق کسانی که تحت چنین قواعدی برای صدور دستور اقتدار یافته‌اند استوار است». (راش، ۱۳۷۷، ص ۵۹)

باید توجه داشت که مشروعیت‌های سیاسی به‌طور معمول ترکیبی از انواع مشروعیت‌ها می‌باشد تقسیم‌بندی بالا تنها جنبه آرمانی دارد. مشروعیت بدون تردید مفهومی مهم در درک اعمال قدرت و رابطه بین سیاست و جامعه است. نظریه‌پردازان ساختاری- کارکردی مانند پارسونز و آلmond و نظریه‌پردازان سیستمها هم چون دیوید ایستون مشروعیت را برای حفظ نظامهای اجتماعی و

1. Traditional
2. Charismatic
3. Rational-legal

سیاسی بسیار با اهمیت می‌دانند. هر اندازه مشروعیت نظام سیاسی کاهش یابد به همان اندازه امنیت ملی به مخاطره می‌افتد. در صورت از بین رفتن مشروعیت سیاسی یک نظام، امنیت ملی آن در معرض آسیب جدی قرار خواهد گرفت.

پارسونز در نظریه نظام اجتماعی‌اش استدلال کرده است که؛ یکی از کارکردهای اصلی نظام حفظ الگو است که عبارت است از توانایی نظام برای تأمین ثبات و امنیت آن از طریق القای ارزشهای مشترک و وجود هنجارهای فرهنگی گسترده. دیوید ایستون در به وجود آوردن تحلیل درون داد و برون داد خود از پشتوانه‌های نظام^۱ یاد می‌کند که از جمله آنها شیوه‌های گوناگون مشارکت سیاسی و واکنش‌های مثبت نسبت به خروجی‌های سیاست^۲ می‌باشد.

در همین راستا دیوید هلد می‌گوید:

«اگر تقاضاها و مطالبات مختلفی که از دولت می‌شود به نحوه مطلوبی بر آورده نشود دولت با بحرانهای مشروعیت و عصیان روبه‌رو می‌گردد. در این شرایط ممکن است دوباره شاهد ظهور یک دولت قوی نظیر دولت‌های اقتدارگرای دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ باشیم» (Held, 1984, p.124)

نظامهای سیاسی گوناگون هر کدام به نحوی در پی کسب مشروعیت هستند. در نظامهای حزبی با نشان دادن حضور مردم در صحنه یا به عبارتی با تلاش در مردمی جلوه دادن حکومت در پی کسب مشروعیت هستند. بنابراین در این نوع نظامها نقش اصلی در مشروعیت بخشیدن به نظام سیاسی، حکومت و حاکمان به عهده احزاب می‌باشد. آنها اگر بتوانند با جلب نظرات عامه مردم مقبولیت لازم را برای نظام سیاسی حاکم کسب کنند به طور قطع به هدف خود که کسب مشروعیت سیاسی است نایل شده‌اند. در غیر این صورت نظام دچار بحران مشروعیت خواهد شد. نتیجه نهایی این بحران به مخاطره افتادن امنیت ملی خواهد بود.

1. System Supports

2. policy outputs

۳- یکپارچگی و وحدت ملی

طبق یک تعریف؛ «وحدت ملی عبارت از تنظیم ساختارها و فرایندهایی است که به وسیله آنها عناصر مجزا و متفرق در یک سرزمین ملی معین وارد مشارکت با معنی در سیستم سیاسی می‌شوند» (رحیمی، پیشین، ص ۱۴۰). یکپارچگی سیاسی که در امر نقش به سزایی دارد عبارت است: «همگرایی و اتفاق نظر اعضای جامعه سیاسی نسبت به فرایندهای سیاسی که روند این نوع یکپارچگی کندتر از روند یکپارچگی ملی است». (همان)

وحدت ملی حاکی از نوعی رفتار شهروندان در مقابل دولت می‌باشد که موجب استحکام و انسجام ملی می‌شود. از این رفتار با عناوین گوناگون؛ از جمله وفاداری، اتحاد یا ترجیح ملاحظات ملی نسبت به ملاحظات محلی، فرقه‌ای یا قبیله‌ای نام برده می‌شود. در کشورهای در حال توسعه تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باعث گسست علایق سستی موجود و در نتیجه، تضعیف اقتدار سستی خواهد شد. همین امر باعث مخدوش شدن وحدت ملی، حداقل در کوتاه مدت خواهد شد. در این مرحله نهادهای سستی که وفاق ملی را به همراه داشته است با نهادهای جدید که ناشی از مدرنیزاسیون می‌باشد در تضاد قرار می‌گیرند.

در صورتی که نهادهای نوین مناسب وجود داشته باشد، این مرحله به سرعت سپری خواهد شد و ناهنجاریهای موجود، بستر مناسب خود را خواهد یافت. در همین راستا اگر چه ممکن است احزاب در ابتدا باعث تفرقه و تشتت شوند اما در ادامه با فعالیت احزاب نیرومند بین گروههای اجتماعی پیوند لازم صورت خواهد گرفت. پیوند و وحدت موجود بسیار فراگیرتر و مستحکم‌تر از پیوندهای گذشته خواهد بود. احزاب قادرند با ایجاد وحدت ملی فراگیر، از هم گسیختگیهای اجتماعی را کاهش دهند و باعث تضمین و تقویت امنیت ملی شوند.

بر همین اساس احزاب می‌توانند نقش میانجی و مرجع حل اختلاف بین گروه‌های اجتماعی را به عهده گیرند و از این طریق بر استحکام و وحدت ملی و

در نتیجه استحکام امنیت ملی بیافزایند. از شیوه‌های دیگری که احزاب می‌توانند موجب افزایش وحدت و امنیت ملی شوند عبارتند از:

الف) ارائه نهادها و آرمانهایی که برای توده‌های مردم یک جامعه، ارزش و جذابیت لازم را داشته باشد و آنها را به دور یک محور مشترک جمع نماید.

ب) کمک برای یافتن و یا ایجاد نهادهایی که از طریق آنها مذاکره و کانالهای ارتباطی را تسهیل نماید. به طوری که نمایندگان گروه‌ها و منافع مختلف و رهبران سیاسی را برای بیان منافع متضاد و ایجاد وحدت رویه به‌دورهم گردآورد. (مان، ۱۴۱)

۴- مدیریت منازعات

یکی از کارویژه‌های احزاب که باعث تقویت امنیت ملی می‌شود مدیریت منازعات موجود در جامعه بر سرمنابع کمیاب می‌باشد. رهبران احزابی موفق به‌شمار می‌آیند که بتوانند شکاف بین درخواست‌ها و داده‌های نظام سیاسی را که باعث اختلاف و نزاع می‌شود به‌نحو صحیح مدیریت کنند. به عبارت دیگر شکاف موجود را با اقدامات مناسب خود توجیه و یا جبران نمایند.

فلسفه وجودی نظام سیاسی و ورود به فعالیتهای سیاسی عدم تحقق تقاضاهای آنها است. زیرا همه نظامهای سیاسی مشمول قانون کمیابی هستند و با اندازه‌های گوناگون میان درخواست‌ها، تقاضاها و آرزوهای آنها از یک طرف و پاسخها و یا تصمیمات اتخاذ شده از طرف دیگر شکاف وجود دارد. در صورتی که نظام بتواند به‌طور طبیعی با استفاده از قابلیتها و تواناییها ظرفیت اجابت خواسته‌ها و تقاضاها را افزایش دهد قدرت پاسخگویی خود را بالا برده است. در غیر این صورت نظام با بار اضافی روبروخواهد شد که در این حالت باید بهای سنگینی را متحمل شود.

در این وضعیت به دلیل محدودیت کانالهای تبیین درخواستها و آرزوها، نهادهای دیگری تلاش می‌کنند این وظیفه را به عهده گیرند. از جمله این نهادها، احزاب هستند. در این حالت احزاب که وظیفه اصلی آنها بیان تقاضاها و

درخواست‌ها و تبدیل آنها به سیاست می‌باشد. ممکن است که اجرای تصمیمات را نیز بر عهده گیرند. (قوام، ۱۳۷۶، ص ۳۸)

هر چند انتقال بار اضافی به نهادهای دیگر در کوتاه مدت می‌تواند کارساز باشد ولی در صورت تداوم، نظام را به مرز فروپاشی خواهد کشانید. مدیریت این نوع منازعات توسط احزاب از مواجهه نظام با چالشهای گوناگون جلوگیری می‌کند. چنانچه مدیریت احزاب بتوانند به این رسالت خود به نحو مطلوب عمل کنند باعث افزایش ضریب امنیت ملی خواهند شد.

احزاب از دو طریق می‌توانند با ارائه یک مدیریت مطلوب در منازعات اختلافات را حل کنند و گروه‌های موجود را در یک طریق مسالمت‌آمیز برای تحقق اهداف خود به ویژه کسب قدرت قرار دهند:

الف) جمع کردن افراد، اقشار و طبقات گوناگون که هر کدام نماینده منافع خاص هستند در درون حزب و قانع کردن آنها در پذیرش منافع جمعی و عمل بر اساس آن منافع.

ب) تنظیم قواعد و قوانینی که امکان دست به دست شدن قدرت را فراهم سازد. به عبارتی دیگر، قوانین باید به شکلی تنظیم شود که امکان فعالیت و کسب قدرت در صورت احراز شرایط توسط احزاب رقیب وجود داشته باشد. بدین صورت راه برای رسیدن به اهداف قانونی توسط احزاب با استفاده از شیوه‌های مسالمت‌آمیز فراهم می‌شود.

خلاصه این که با وجود احزاب نیرومندی که بتوانند مدیریت منازعات را به نحو مطلوب به مرحله اجرا گذارند، ضریب امنیت ملی نیز افزایش خواهد یافت. در این حالت می‌توان گفت احزاب در امنیت ملی اثر مثبت دارند. در غیر این صورت احزاب نه تنها اثر سازنده نخواهند داشت بلکه باعث به خطر افتادن امنیت ملی خواهند شد.

۵- جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیر^۱ یعنی شیوه آشنا شدن افراد با ارزشها و رفتارهای جامعه خویش (آلموند و دیگران، ۱۳۷۶، ص ۵۷). جامعه‌پذیری سیاسی بخشی از همین فرآیند است که «طی آن ایستارهای سیاسی فرد شکلی می‌گیرد» (همان). جامعه‌پذیری سیاسی به دو روش مستقیم و غیرمستقیم شکل می‌گیرد. جامعه‌پذیری سیاسی مستقیم «حالتی است که اطلاعات، ارزشها یا احساسات ناظر بر مسائل سیاسی به صراحت انتقال می‌یابد» (همان، ۵۸). آموزشهای حزبی را می‌توان به عنوان جامعه‌پذیری سیاسی مستقیم نام برد. «جامعه‌پذیری سیاسی غیرمستقیم هنگامی رخ می‌دهد که تجربیات ما ناخواسته به دیدگاه‌های سیاسی ما شکل می‌دهد». (همان)

احزاب به عنوان یک نهاد سیاسی، نقش مهمی در جامعه‌پذیری سیاسی ایفا می‌کنند. احزاب برای جلب حمایت مردم سعی می‌کنند موضوعات خاصی را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند تا آنها را به رأی دادن به آن حزب برانگیزانند.

هر چند امکان این که یک حزب برنامه خود را علیه صاحب‌منصبان طراحی کند وجود دارد، ولی به‌طور عمده درصدد جلب حمایت مردم از ساختار سیاسی و فرایندهای اساسی هستند. احزاب شهروندان را به ساختار سیاسی نزدیک و در تعامل قرار می‌دهند. هر چند بیشتر مردم به سیاست علاقه‌ای ندارند اما احزاب با انتخابات ایشان مردم را به مشارکت سیاسی تشویق می‌کنند.

یکی از شیوه‌های تحقق جامعه‌پذیری سیاسی توسط احزاب آموزش است. احزاب با آموزشهای سیاسی و اقدام به جامعه‌پذیری سیاسی چگونگی تعامل قانونی با نظام سیاسی و عادات و رفتارهای سیاسی رابه دیگران انتقال می‌دهند.

آنچه مهم است عدم تخطی احزاب از وظیفه خود می‌باشد که همان جامعه‌پذیرکردن اعضا بر اساس ارزش و هنجارهای مورد قبول در نظام سیاسی

1. Socialization.
2. Attitudes

موجود است. در غیر این صورت این اقدام احزاب باعث شکاف هر چه بیشتر در بین شهروندان خواهد شد. در این حالت نه تنها احزاب باعث تقویت امنیت ملی نخواهند شد بلکه وحدت و امنیت کشور نیز به مخاطره خواهد افتاد.

۶- شایسته‌سالاری

یکی از ویژگیهای نظامهایی که شاهد رشد و توسعه در زمینه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی می‌باشند حاکمیت کارگزاران و مدیران شایسته در امور گوناگون جامعه می‌باشد. بدیهی است جوامعی که حاکمان آن افراد نالایق و بی‌کفایت باشند نه تنها شاهد ترقی و تعالی نخواهند بود بلکه شاهد عقب‌ماندگی روزافزون و شاید غیرقابل جبران در عرصه‌های مختلف خواهند بود. احزاب می‌توانند نقش مهمی در حاکمیت شایسته‌سالاری در جوامع مختلف ایفا کنند. احزاب با انتخاب افراد خلاق و مستعد در زمینه‌های گوناگون و انجام برنامه‌هایی که باعث شکوفایی استعدادهای مذکور می‌شوند کمک شایان توجهی در راستای شایسته‌سالاری به عمل می‌آورند.

یکی از این اقدامات آموزش می‌باشد. آموزش اعضا ضمن این که آنها را به وظایف و مأموریت‌های محوله آشنا می‌سازد، باعث کسب آگاهیها و تخصص مورد نیاز خواهد شد. دومین اقدام در راستای شایسته‌سالاری کسب تجربه اعضا از طریق فعالیت در کمیته‌های حزبی می‌باشد. افراد با مشارکت در این کمیته‌ها ضمن کسب تجربه و پرورش استعدادهای توانایی خود را در معرض انتخاب قرار می‌دهند. رهبران حزب و نوع مسئولیت‌های آنها از همین طریق شناخته می‌شوند.

بدیهی است احزاب پس از پیروزی در انتخابات افرادی که قبلاً در حزب، در سمت‌های خود موفق بوده‌اند در پست‌های گوناگون گمارده خواهند شد. از آنجایی که احزاب سعی در جلب‌آزای مردم دارند همواره سعی دارند با گماردن افراد شایسته به این مهم نائل آیند. بنابراین تحزب در جامعه باعث گسترش شایسته‌سالاری خواهد شد.

۱- تضعیف همبستگی ملی

بسیاری از صاحب نظران معتقدند نه تنها احزاب باعث وفاق و همبستگی ملی نمی‌شوند بلکه همبستگی ملی موجود را نیز از بین خواهند برد. هنگامی که بر وحدت ملی آسیب وارد شود ضریب امنیت ملی نیز کاهش می‌یابد.

شارل موراس، فیلسوف راست‌گرای فرانسه، در سال ۱۹۱۳ عمل احزاب را گسیخت‌آور و برای وحدت ملی مضر توصیف می‌کند (نقیب‌زاده، پیشین، ص ۱۲۹). دانتون نیز معتقد است که یک حزب بیشتر وجود ندارد و آن هم "حزب ملت" است. این گفته نشانگر نگرانی او از تفرقه و منازعه داخلی است که با وجود احزاب متعدد می‌تواند به وقوع بپیوندد. جرج واشنگتن، اولین رئیس جمهور آمریکا، نیز درباره احزاب این چنین گفته است:

حزب شوراهای همگانی را مختل می‌کند و مدیریت عمومی را به ضعف می‌کشانند. حزب با ایجاد تردیدهای بی‌دلیل و هشدارهای دروغین اجتماع را برمی‌آشوبد و بخشی از اجتماع را بر ضد بخش دیگر برمی‌انگیزد و به شورشها و نافرمانی‌های پراکند دامن می‌زند. حزب درها را به روی نفوذ بیگانگان و فساد باز می‌گذارد و آنها را از طریق برانگیختن سودهای حزبی به آسانی به دستگاه حکومتی راه می‌یابند. بدین سان سیاست و اداره یک کشور تحت الشعاع سیاست و اراده یک کشوری دیگر قرار می‌گیرد (هاتینگتون، پیشین، ص ۵۸۶). این نگرانی که احزاب باعث از بین رفتن وحدت ملی می‌شوند در بسیاری از صاحب نظران وجود دارد. آنچه که باید به آن اشاره کرد این است که نظریات و آرای اندیشمندان به طور عمده با استفاده از واقعیات جوامع بشری در گذشته و حال شکل گرفته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مستندات لازم برای این چنین آرای وجود دارد. با توجه به این که وحدت ملی اساس منافع ملی هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد نخبگان باید در تدوین استراتژی مربوط به فعالیت احزاب به این نکته توجه خاص داشته

باشند. جیمز مدیسن^۱ اندیشمند آمریکایی در قرن ۱۸ با انتشار گفتارهایی به نام "گزارشهای فدرالیست" ضمن توجه به پدیده حزب می‌گوید هر چند که پیدایش احزاب در یک نظام سیاسی آزاد امری اجتناب‌ناپذیر است ولی عاملی برای ایجاد تفرقه و نفاق می‌باشند. به همین جهت هر چند با سرکوبی احزاب مخالف بود ولی نسبت به فعالیت آنها در جامعه بدبین بود. (محمّدی‌نژاد، ۱۳۵۵، ص ۷)

در بسیاری از کشورها چند حزب باهم برای به‌دست‌گرفتن قدرت نبرد می‌کنند.

در این نبرد هر حزب در جستجو و گردآوری اعضای بیشتری است و با اعلام برنامه‌های رنگارنگ و فریبنده تنها خود را صالح و بر حق برای رهبری ملت و اداره امور کشور دانسته و کار و برنامه دیگر احزاب را بد و نامطلوب می‌داند. از این رو گفته می‌شود که وجود حزب عامل تفرقه و مغایر با وحدت و امنیت ملی است. از طرف دیگر عملکرد گذشته بعضی از احزاب باعث تقویت این نظریه شده است. بسیاری از احزاب در گذشته در پی کسب سود یا قدرت دست به آشوب می‌زدند که نمونه بارز آن "فرونند" در فرانسه بود (تقی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۲۷). در کشور ایران نیز در گذشته این چنین احزابی فعالیت داشته‌اند که می‌توان به حزب توده ایران اشاره کرد. ایجاد آشوب و هرج و مرج در بعضی از مقاطع و جوامع باعث از هم پاشیدگی ملی شده است که در این راستا می‌توان به فعالیت حزب نازی در چک‌اسلواکی اشاره کرد که در نهایت به محو این کشور از نقشه جغرافیای سیاسی قبل از آغاز جنگ جهانی دوم منجر شد.

به هر حال هر چند حزب به معنای واقعی آن عامل تقویت وحدت ملی محسوب می‌شود. اما همین حزب می‌تواند بر خلاف معمول باعث تفرقه و تشتت شود و در نتیجه امنیت ملی را به مخاطره بیندازد.

۲- عوام‌فریبی

یکی از آثار منفی که برای احزاب برمی‌شمارند فریب مردم و افکار عمومی است. آنها برای اینکه بتوانند در راستای منافع حزبی خود به کسب آرای مردم پردازند همواره به شیوه‌های گوناگون از جمله تبلیغات و آموزش سعی در وارونه جلوه دادن واقعیات می‌کنند.

بنابراین علاوه بر انتقادهایی همچون فرصت‌طلبی، جاه‌طلبی و اعمال نفوذ، گفتار خلاف واقع نیز از جمله انتقادات نسبت به احزاب می‌باشد. در این حالت منافع و امنیت ملی می‌تواند دچار تهدید جدی قرار گیرد. زیرا در بسیاری از مواقع منافع حزبی با منافع ملی قابل تطبیق نیست. حال آن که در چنین وضعیتی برای مردم به دروغ منافع حزبی جایگزین منافع ملی می‌شود و آرای مردم را با فریب و نیرنگ به طرف خود جلب می‌کنند.

۳- ایجاد بحرانهای عمیق در جامعه

همگرایی و واگرایی یکی از مفاهیم مهم در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. آن چه در اینجا از اهمیت برخوردار است این که آیا احزاب تا چه حد در ایجاد حداقل یا حداکثر همگرایی مؤثرند؟ هر چند که بعضی از اندیشمندان احزاب را به عنوان عامل همگرا و وحدت بخش یاد کرده‌اند ولی علاوه بر استناد به گفته‌ها و نوشته‌های دسته دیگری از اندیشمندان، با استفاده از شواهد تاریخی جوامع گوناگون، می‌توان این واقعیت را بیان کرد که علت عمده بحرانهای عمیق جوامع مدرن امروزی احزاب می‌باشند. گواه آن بی‌تفاوتی شهروندان، از خود بیگانگی توده‌ها و رفتارهای ضداجتماعی است که به واسطه فعالیت احزاب در بعضی از جوامع پدید آمده است. (King, 1960, p.112-41)

به هر حال آنچه که باید بدان اذعان کرد این که فعالیت احزاب در جوامع گوناگون به انحای گوناگون تنش و یا بحرانهایی را به همراه داشته است که

باعث تضعیف نظام سیاسی و در نتیجه کاهش ضریب امنیت ملی شده است.

۴- افراط در سیاسی‌نگری به مسائل

احزاب همواره سعی دارند به تمام مسائل و مشکلات جامعه رنگ سیاسی بدهند تا از این طریق بتوانند راه نفوذ خود را در بین توده‌های مردم همواره سازند. مخالفان حزب استدلال می‌کنند که بسیاری از معضلات اجتماعی و اقتصادی جنبه فنی دارد نه سیاسی. حل این مشکلات نیز به آگاهی‌های علمی و فنی نیاز دارد. به همین سبب نمی‌توان با ترفندهای سیاسی به رفع این نوع مشکلات پرداخت. اما احزاب تلاش می‌کنند به همه مسائل رنگ و لعاب سیاسی بدهند تا دستاویز لازم را جهت نبرد سیاسی فراهم کنند.

احزاب با نگرش سیاسی به تمام مسائل و ایجاد یک نبرد سیاسی خصومت و دشمنی میان گروه‌ها را دامن می‌زنند و آنها را در مقابل هم قرار می‌دهند. در نتیجه بر تضاد طبقاتی موجود دامن زده می‌شود. نهایت امر این است که شدت این تضاد طبقاتی باعث مخدوش شدن وحدت و امنیت ملی جامعه خواهد شد. (ابوالحمد، ۱۳۷۰، ۴۳۸)

۵- راه نفوذ بیگانگان

عده‌ای از مخالفان احزاب معتقدند حزب راه نفوذ و دخالت بیگانگان در یک کشور و چه‌بسا در اختیار گرفتن حکومت آن می‌باشد. ساموئل هانتینگتون از این اندیشمندان می‌باشد. وی می‌گوید:

«حزب درها را به روی نفوذ بیگانگان و فساد باز می‌گذارد و آنها را از طریق برانگیختن سودهای حزبی به آسانی به دستگاه حکومتی راه می‌یابند. بدین‌سان سیاست و اداره یک کشور، تحت‌الشعاع سیاست و اراده کشوری دیگر قرار می‌گیرد.» (هانتینگتون، پیشین، ص ۵۸۶)

طبیعی است در این وضعیت استقلال، تمامیت ارضی و امنیت ملی کشور به

شدن مخدوش خواهد شد. زیرا در این وضعیت برخی یا کل امور مربوط به حکومت در اختیار بیگانگان قرار خواهد گرفت.

۶- آلت دست افراد با نفوذ و سرشناس

عده‌ای معتقدند افراد با نفوذ در تصمیمات حزبی مؤثر می‌باشند. هرگز افراد و اعضای ساده حزب در تصمیم‌گیریها مؤثر نیستند، بلکه آنها تنها تحت تسلط و نفوذ افراد با نفوذ داخل یا خارج از حزب قرار دارند و از هر گونه تصمیمات آنها تبعیت می‌کنند. برخی، از جمله الکساندر پوپ حزب را آلت دست افراد با نفوذ و سرشناس می‌داند و پرداختن به حزب توسط مردم را یک دیوانگی محض برای به دست آوردن امتیازات اندک می‌داند. (عبادیان، ۱۳۷۸، ص ۱۰۵)

این در حالی است که امتیازات بزرگی را از دست می‌دهند.

در این وضعیت افراد با نفوذ افراد و اعضای عادی حزب را استثمار می‌کنند. زیرا در مقابل امتیاز ناچیزی به بهره‌کشی از آنها می‌پردازند و از این طریق به منافع سرشار مورد نظر خود نائل می‌شوند.

آنچه که در پایان مباحث مربوط به آثار و نتایج منفی احزاب یا به عبارت دیگر کارکردهای منفی احزاب باید بدان پرداخت این است که هر چند که عناوین این کارکردها با همدیگر تفاوت دارد ولی اثر و نتیجه نهایی همه آنها یکسان می‌باشد. بروز ناامنی در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اثر مستقیم موارد مذکور می‌باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت با بروز این عوامل منفی ضریب امنیت ملی کاهش خواهد یافت. میزان این کاهش بستگی به شدت یا ضعف بروز این عوامل دارد. هر چه بر شدت بروز این عوامل افزوده شود به همان نسبت نیز ضریب امنیت ملی کاهش می‌یابد.

به هر حال، احزاب در مجموع چه نقشی می‌توانند در امنیت ملی ایفا نمایند، بستگی به مجموعه‌ای از کارکردهای مثبت و منفی آنها دارد. در صورتی که رهبران

جامعه به شیوه‌های گوناگون از جمله وضع قوانین مناسب، نظارت و کنترل می‌توانند کارکردهای منفی احزاب را به حداقل و کارکردهای مثبت را به حداکثر ممکن برسانند، احزاب باعث افزایش ضریب امنیت ملی خواهند شد. اما در صورتی که برعکس حالت بالا به‌وقوع بپیوندد باعث کاهش ضریب امنیت ملی خواهند شد.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق ابتدا مفهوم دو متغیر "حزب" و "امنیت ملی" ارائه شد. سپس - با توجه به تعاریف امنیت ملی شاخصه‌های مربوط به آن استخراج شد. شاخصه‌های مربوط عبارتند از: حفظ جان مردم، حفظ امنیت ارضی، حفظ نظام اقتصادی و سیاسی، حفظ استقلال و حاکمیت کشور، حفظ منافع حیاتی، فقدان ترس جدی از خارج نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور، حفظ نهادهای اساسی جامعه، وحدت ملی، فقدان دلهره و نگرانی از به مخاطره افتادن ارزشها، مشروعیت سیاسی، تأمین و حفظ هماهنگی میان اقوام و طوایف درون کشور و عدم وجود تهدید جدی سلطه فرهنگی بیگانه.

با توجه به این شاخصه‌ها آثار و نتایج تحزب بر امنیت ملی مورد بررسی قرار گرفت. دیدگاههای صاحب‌نظران و اندیشمندان موافق و مخالف تحزب نیز با توجه به کارکردهای گوناگون احزاب به بررسی آثار و نتایج تحزب بر امنیت ملی ارائه شد. هدف از طرح این نظریات فقط استخراج آثار و نتایج حزب‌گرایی بر امنیت ملی است. به‌طور کلی این آثار به دو دسته مثبت و منفی تقسیم می‌شوند. آثار و نتایج مثبت به آن دسته از آثاری اطلاق می‌شود که باعث افزایش ضریب امنیت ملی می‌شوند و آثار و نتایج منفی به آن دسته از آثار اطلاق می‌شود که باعث کاهش ضریب امنیت ملی می‌شوند. مهمترین کارکردهایی که باعث افزایش ضریب امنیت ملی می‌شوند عبارتند از: مشارکت سیاسی، مشروعیت سیاسی، یکپارچگی و وحدت ملی، مدیریت منازعات، جامعه‌پذیری سیاسی و شایسته‌سالاری. مهمترین

کارکردهایی که باعث کاهش ضریب امنیت ملی خواهند شد عبارتند از: تضعیف همبستگی ملی، ترجیح منافع حزبی به منافع ملی، عوام‌فریبی، ایجاد بحرانهای عمیق در جامعه، افراط در سیاسی‌نگری به مسائل، راه نفوذ بیگانگان و آلت‌دست افراد با نفوذ و سرشناس.

با توجه به نتایج حاصل می‌توان گفت که فرضیه «تحزب می‌تواند تأثیر دوگانه مثبت و منفی بر امنیت ملی داشته باشد» اثبات شده است آنچه که می‌تواند منجر به کاهش آثار منفی و افزایش آثار و نتایج مثبت فعالیت احزاب شود قالبهای قانونی، فرهنگی و ملی است که برای آنها در هر واحد سیاسی تعریف و تبیین می‌شود.

منابع فارسی

- ۱- آزر، ادوارد و چون این مونگ (۱۳۷۷)؛ «ابعاد نرم‌افزاری امنیت ملی»، ترجمه گروه امنیت ملی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۲.
- ۲- آوری، پیتر (۱۳۷۱)؛ تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، مؤسسه عطایی.
- ۳- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۸)؛ مبانی سیاست، چاپ چهارم، تهران، توسن.
- ۴- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۹)؛ پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب، تهران، سروش.
- ۵- حسینی، حسین (۱۳۷۸)؛ حزب و توسعه سیاسی، تهران، آمن.
- ۶- حسینی بهشتی، محمد (۱۳۵۹)، عملکرد یک‌ساله حزب جمهوری اسلامی، تهران، حزب جمهوری.
- ۷- خامه‌ای، انور (۱۳۷۲)؛ خاطرات سیاسی، تهران، گفتار.
- ۸- خامه‌ای، انور (۱۳۷۲)؛ در انشعاب کودتا (خاطرات)، تهران، هفته.

- ۹- تبریزنیا، حسین (۱۳۷۱)؛ *علل ناپایداری احزاب در ایران*، ج اول، تهران، مرکز نشر بین‌الملل.
- ۱۰- دارابی، علی (۱۳۷۹)؛ *سیاستمداران اهل فیضیه*، تهران، سیاست.
- ۱۱- دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور (۱۳۷۸)؛ "تحزب و توسعه سیاسی"، کتاب اول، دوم و سوم، تهران، همشهری.
- ۱۲- دوورژه، موریس (۱۳۷۵)؛ *احزاب سیاسی*، ترجمه رضا علوی، تهران، امیرکبیر.
- ۱۳- دوورژه، موریس (بی‌تا)؛ *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۴- راش، مایکل (۱۳۷۷)؛ *جامعه و سیاست مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سمت.
- ۱۵- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)؛ *امنیت ملی و نظام بین‌الملل*، تهران، سمت.
- ۱۶- طبری، احسان (۱۳۶۶)؛ *کثر راهه؛ خاطراتی از حزب توده*، تهران، امیرکبیر.
- ۱۷- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۶)؛ *سیاست‌های مقایسه‌ای*، تهران، سمت.
- ۱۸- کشاورز، فریدون (بی‌تا)؛ *من متهم می‌کنم کمیته مرکزی حزب توده را*، بی‌جا، بی‌نا.
- ۱۹- کولایی، الهه (۱۳۷۶)؛ *استالینسم و حزب توده ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۰- ماندل، رابرت (۱۳۷۹)؛ *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۱- محمدی‌نژاد، حسن (۱۳۵۵)؛ *احزاب سیاسی*، تهران، امیرکبیر.
- ۲۲- مدنی، سیدجلال‌الدین (بی‌تا)؛ *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، ج ۱، قم، اسلامی.
- ۲۳- میخلز، روبرت (۱۳۷۵)؛ *جامعه‌شناسی احزاب*، چاپ سوم، تهران، قومس.

- ۲۴- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۸)؛ *حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروزی*، تهران، دادگستر.
- ۲۵- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹)؛ *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران، سمت.
- ۲۶- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)؛ *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.
- ۲۷- یوسفیه، ولی‌اله (۱۳۵۲)؛ *احزاب سیاسی*، چ سوم، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی.

English References

1. Burk, Edmond (1970); *lesPartis Politigue*, Paris,A.Colin.
2. Charlot, Jean (1970); *Les partis Politigue*, Paris,A.Colin.
3. Ekin, Paul (1992); *A new world order*, Routledge.
4. Epstien,Tean,D (1967); **Political Parties InWestern Democracies**, NewYork: Preayer.
5. Huntington,S (988); *Political Order Inchanging Societies*,Yale University prees, New haven, U.S.A.
6. Held,David,**Political Theory and the Modern State**,polity Press,1984.
7. King, A. (1960); *Political Parties In Western Democracies*, Some Skeptical Refloktio "Polity".
8. Lincoln,Padelford(1967); **The Dynamic Of International Politics**, NewYork, Macmillian.
9. Newman, Sigmond (1956); **modern Political Parties**, Chicago, University of Chicago Press.
10. Puchala (1971); **Internatoinal Politics Today**, NewYork, Dodd Mead.

- 11- Robertson, D. (1988); **The Penguin Dectionary Of Politics**, London, Penguin Books, 1988.
- 12- Verbakont, S. (1979); **An Introduction To American Government**, NewYork.
- 13- Weber, Max (1971); **Economie Et Societe**, Paris, Polin.



پښتونستان ښوونځي
پښتونستان ښوونځي
پښتونستان ښوونځي